

نقش بلخ در نشر حدیث شیعه

مهدی غلامعلی*

چکیده

منطقه «بلخ» از جمله مناطقی است که حدیث شیعه مدتی از حیات خویش را در آن سپری کرده است، ولی پژوهشی مستقل در بازخوانی تلاش محدثان شیعه در این منطقه شکل نگرفته است.

این منطقه بخشی از خراسان بزرگ در قدیم بوده و اکنون شامل استان‌هایی در ازبکستان و افغانستان شود. حضور محدثان بلخی در این منطقه و بلخیان مهاجر به دیگر حوزه‌های حدیثی شیعه از یک سو و اقبال دانشیان شیعی به حضور در این مناطق سبب شد که حوزه حدیثی بلخ سامان یابد.

در این پژوهش، نام یکصد و یک راوی بلخی در متون روایی و رجالی شیعه، تا پایان سده پنجم هجری کشف شده که حدود پانزده نفر از ایشان نویسنده ده‌ها اثر روایی بوده‌اند. همچنین بسیاری از شاخص‌های یک حوزه حدیثی، نظیر برپایی جلسات حدیث، در بلخ دیده می‌شود. این پژوهش، مقدمه‌ای است برای تحلیل‌ها و بررسی‌های دقیق حدیث شناسان و پژوهشگران عرصه تاریخ حدیث.

کلید واژه‌ها: تاریخ حدیث، بلخ، محدثان شیعه، کتاب‌های حدیثی، جلسات حدیث.

درآمد

پژوهش‌های بنیادی در تاریخ حدیث شیعه گام‌های نخست خویش را تجربه می‌کند. بازشناسی فراز و نشیب‌های حدیث شیعه، در گذر زمان، بسیاری از پرسش‌ها و نقاط تاریک اندیشه شیعی، جهت‌گیری‌ها و... را روشن خواهد ساخت. در دهه‌های اخیر

* عضو هیئت علمی دانشگاه قرآن و حدیث.

تلاش‌هایی در بازشناسی تاریخ حدیث در محدوده زمانی یا مکانی ویژه‌ای سامان یافته است. منطقه بلخ، پیش از سده پنجم هجری، پذیرای جمعی از مشتاقان حدیث شیعه بوده است. در این پژوهش برآنیم که پس از معرفی جغرافیایی این منطقه، تلاش‌های حدیثی شیعیان را در این محدوده جغرافیایی بررسی کنیم.

جغرافیای بلخ

بلخ در جنوب رود آمویه و در مغرب و جنوب غربی کوه‌هایی قرار داشته که از شمال هندوستان را در بر می‌گرفته است و بسان پل ارتباطی مهمی در ایران باستان بوده است. این منطقه یگانه راه خشکی در میان آسیای غربی و هندوستان از یک سو، و تاتارستان و چین از سوی دیگر بوده است. بدین سان موقعیت استراتژیکی و جغرافیایی بلخ در شکوفایی تمدنش در ایران باستان بسیار موثر بوده است.

جغرافی دانان و مورخان اسامی بسیاری را برای «بلخ» ثبت کرده‌اند که بررسی دقیق زمان‌های نامگذاری شده به آن نیازمند پژوهشی مستقل است.^۱ «باختر» یا «باختریش» مشهورترین نام کهن این سرزمین بوده است، ولی اسامی دیگری نیز برای آن ذکر شده است:

اسکندریه، باکترس، باکترا، بختری، بهل، پاخل، تاهیا، زارمی آسپا، کوش، مرجیاباد و...^۲

همچنین القابی نیز به بلخ داده شده که بیشتر آنها از ناحیه عرب‌ها بوده است:

الحسناء، ام البلاد، بامی، دارالاماره، دارالفقاهه، قبة الاسلام،^۳ جنة الارض، خیرالتراب و ابرشهر خراسان.^۴

در وجه تسمیه این شهر به بلخ و باختر نیز گفته‌اند:

بلخ، یا باختر یا باختریش نام پایتخت مملکتی بوده است که بدین نام نامیده می‌شده و در دامنه کوه پاراپامیز واقع است. رود بلخاب (باخترس) یا باکتروس) از این شهر می‌گذرد و نام ایالت و شهر از اسم این رود گرفته

۱. محمد امین زواری در کتابی با عنوان *جغرافیای تاریخی بلخ* بخشی از تطور اسامی را بازگو کرده است.

۲. فرهنگنامه تطبیقی مکان‌های جغرافیایی، ص ۱۷۶ - ۱۷۷.

۳. همان.

۴. *البلدان*، ص ۱۱۶.

شده است.^۵

بلخ، در روزگاران قدیم، یکی از چهار بخش خراسان بزرگ بوده که به «ربع بلخ» شناسانده می‌شده و اکنون در تقسیمات کشوری، نام شهر نسبتاً کوچکی در شمال کشور افغانستان است.

بلخ پیش از اسلام از مهم‌ترین مراکز دین بودایی بوده و معبد معروف «نوبهار» در آن قرار داشته است. این منطقه در عهد خلیفه سوم فتح شد، ولی حکومت اسلامی بر آن استیلای کامل نداشت و از آنجا که بیشتر مناطق این ولایت کوهستانی بوده و امیران محلی بسیاری در سده نخست هجری بر شهرهای بلخ حکم می‌راندند، فتح کامل آن توسط سپاه اسلام به درازا کشید و در اواخر سده اول هجری به طور کامل گشوده شد. در روزگاران کهن، پیش از سده پنجم هجری، محدوده ولایت بلخ شامل دو بخش عظیم بوده است:

بخش غربی: جوزجان و بخش شرقی: طخارستان.

یعقوبی بلخ را دارای ۴۷ منبر (کنایه از مسجد جامع و شهرستان) دانسته است که این رقمی قابل توجه است. البته یعقوبی در تقسیم‌بندی ربع بلخ با دیگر جغرافی‌دانان همداستان نیست؛ چه این که وی شهرهایی چون گش، نخشب، ترمذ و صغد را - که از ولایات ربع سوم (ماوراء النهر) است - در شمار شهرهای بلخ پنداشته است.^۶

پژوهشی که در دهه‌های اخیر بر چگونگی تقسیم‌بندی خراسان قدیم انجام شده و در آن نظرات مختلف جغرافی‌دانان کهن بررسی شده، بر این استوار است که ربع بلخ دارای شش شهر بزرگ بوده است که عبارت‌اند از: بلخ، ترمذ،^۸ جوزجان،^۹ صغانیان (معرب

۵. لغتنامه دهخدا، مدخل بلخ.

۶. وجود معبد یا آتشکده نوبهار در بلخ پیش از اسلام، سبب شده بود که مسافران بسیاری جذب این منطقه شوند. ایرانیان باستان، این آتشکده را به عنوان زیارتگاهی در رقابت با عرب‌ها، بسان خانه کعبه در وسعتی بسیار بزرگ ساخته و با زینت‌های گوناگون آراسته نموده بودند و ترکان ترکستان (و مردم چین) و فارس، حرمت این خانه را لازم می‌دانستند. آل برمک خادمان مورثی این خانه بوده‌اند. عبد الله بن عامر، پس از فتح خراسان (در عهد عثمان)، احنف بن قیس بن هیثم را به بلخ فرستاد تا نوبهار را خراب کند. بسیاری از نویسندگان کهن در وصف «نوبهار» مطالب گوناگونی نگاشته‌اند (رک: آثار البلاد و اخبار العباد، ص ۳۸۹؛ معجم البلدان، ج ۵، ص ۳۰۷ - ۳۰۸).

۷. البلدان، ص ۱۱۶.

۸. شهری بندری در جنوب شرقی ازبکستان (کرانه چپ رودخانه آمودریا) و مرکز استان سرخان دریا در مرز ازبکستان با افغانستان است.

۹. جوزجان اکنون نام ولایتی (استان) در شمال افغانستان، هم مرز با ترکمنستان است.

چغانیان)،^{۱۰} فاریاب^{۱۱} و قواذیان.^{۱۲}

مرکز و بزرگ‌ترین شهرستان این ولایت (استان) همان شهر بلخ است که خود شهرک‌هایی چون بامیان،^{۱۳} بدخشان،^{۱۴} خُتَل،^{۱۵} پنجهر،^{۱۶} جارابایه،^{۱۷} طخارستان،^{۱۸} غزنه^{۱۹} و کابل^{۲۰} را در بر داشته است.^{۲۱} هر کدام از این شهرستان‌ها نیز شهرها و روستاهایی را در بر دارند.^{۲۲}

بی تردید، بلخ در شمار کهن‌ترین شهرهای مشرق زمین و دارای پیشینه‌ای درخشان در تمدن بشری بوده که پس از اسلام نیز درخشندگی تمدن اسلامی را به خود دیده و در آن بالیده است.

بلخ و حدیث شیعه

در نوشتار حاضر سعی شده تا فراز و نشیب حدیث شیعه در ولایات و شهرهای مهم بلخ در کتب رجال و حدیث شیعه استخراج گردد. راویان شیعی در تمام ولایات فوق (غیر از قواذیان) حضور داشته‌اند که در پژوهش حاضر، بخشی از تلاش‌های حدیثی ایشان نشان داده شده است. گفتنی است که اسامی راویان عامی که در کتب روایی شیعه به آنها اعتماد شده و یا برای شیعیان پژوهش‌هایی را سامان داده‌اند نیز در نوشتار حاضر آمده است، ولی در معرفی ایشان به مختصر گویی بسنده کرده‌ایم.

۱۰. چغانیان نام یک ناحیه قدیمی است که امروزه ظاهراً وجود ندارد و تقریباً مطابق با ولایت سُرخان دریا (به مرکزیت شهر ترمذ) در جنوب ازبکستان است.
۱۱. فاریاب نام شهری تاریخی در افغانستان بوده که اکنون ویرانه‌هایش در روستای خیرآباد شهرستان دولت‌آباد استان فاریاب افغانستان است.
۱۲. قبادیان اکنون نام شهری در استان ختلان تاجیکستان است.
۱۳. اکنون نام شهری کوهپایه‌ای در نزدیکی کابل است.
۱۴. بدخشان نام ولایتی بین دو کشور افغانستان و تاجیکستان است که اکنون در شمال شرقی افغانستان و جنوب شرقی تاجیکستان است.
۱۵. نام کنونی آن «کولاب» است و یکی از شهرهای بزرگ استان ختلان در جنوب کشور تاجیکستان است.
۱۶. نام کنونی ولایتی به نام پنجشیر در شمال افغانستان است.
۱۷. این شهر در کنار پنجشیر بوده است. نام کنونی آن یافت نشد.
۱۸. نام کنونی آن ولایت تخار در افغانستان است.
۱۹. همان غزنی در افغانستان کنونی است.
۲۰. پایتخت کنونی افغانستان است.
۲۱. ارباع خراسان، ص ۳۸۵ - ۴۴۴.
۲۲. همان.

الف) تعداد محدثان

سرزمین بلخ اگر چه در دور دست ترین نقاط شرقی بلاد اسلام بوده، ولی راویان بسیاری را پرورش داده است. تنها شمار راویان احادیث شیعه در مناطق این سرزمین در طول پنج قرن نخست هجری افزون بر یکصد نفر بوده است. از تعداد راویان احادیث در دوره های مختلف می توان دریافت که سیر صعودی حدیث پژوهان بلخ از قرن دوم آغاز و با حضور امام هشتم در منطقه خراسان قوت یافته است. این حضور تا سده چهارم، با توجه به سنی نشین بودن این مناطق، چشمگیر بوده است. البته گفتنی است که حرکت حدیث مدارانه محدثان بلخی در سده پنجم متوقف شد. اکنون با حضور کمی راویان این منطقه آشنا می شویم:

سده دوم هجری

منطقه بلخ، در این قرن، دست کم شاهد ۲۲ راوی احادیث شیعه بوده است. بیشترین ایشان برخاسته از مرکز بلخ بوده اند. این تعداد راوی، در سده دوم، بیانگر زمینه های مثبت منطقه و ارتباط با مراکز حدیثی است. نامورترین راویان حدیث این منطقه، در سده دوم، ابو خالد کابلی و هشام بن سالم از یاران برجسته امام سجاد علیه السلام و امام صادق علیه السلام هستند. اکنون تعداد محدثان بلخ را به تفکیک شهرهای ایشان بررسی می کنیم:

الف. بلخ: هفده راوی بلخی در متون روایی و رجالی شیعه ثبت شده است. برخی از ایشان - که از اصحاب امام صادق علیه السلام هستند - عبارت اند از: ابو عبد الله بلخی،^{۲۳} عمر بن هارون بلخی^{۲۴} (م ۱۹۴ق، در بلخ)،^{۲۵} سلم بن سالم بلخی^{۲۶} (م ۱۹۶ق)،^{۲۷} مقاتل بن حیان^{۲۸} (م ۱۵۰ق، در بلخ)،^{۲۹} مقاتل بن سلیمان^{۳۰} بن جوال دوز^{۳۱} خراسانی بلخی^{۳۲} (م ۱۵۰ق)^{۳۳} و

۲۳. الخرائج والجرائح، ج ۱، ص ۲۹۷-۲۹۸.

۲۴. رجال الطوسی، ص ۲۵۴، ش ۳۵۷۶.

۲۵. تاریخ بغداد، ج ۱۱، ص ۱۸۷-۱۹۰، ش ۵۸۹۹.

۲۶. رجال الطوسی، ص ۲۱۹، ش ۲۹۰۱.

۲۷. لسان المیزان، ج ۳، ص ۶۳.

۲۸. رجال الطوسی، ص ۳۱۰، ش ۴۶۰۱.

۲۹. الفائق فی رواته وأصحاب الإمام الصادق علیه السلام، ج ۳، ص ۲۹۶، ش ۳.

۳۰. مستدرکات علم رجال الحدیث، ج ۷، ص ۴۸۵، ش ۱۵۱۵۴.

۳۱. الفائق فی رواته وأصحاب الإمام الصادق علیه السلام، ج ۳، ص ۲۹۷-۲۹۸.

۳۲. اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۶۸۸۱.

ابراهیم بن ادهم (م ۱۶۲ق).^{۳۴} همچنین شاگردان بلخی امام کاظم - که در این دوران می زیستند - عبارت اند از: زیاد بن سلیمان بلخی،^{۳۵} سعد بن ابی سعید بلخی،^{۳۶} سعد بن سعید بلخی^{۳۷} و شقیق بن ابراهیم بلخی^{۳۸} (م ۱۹۴ق).^{۳۹}

لازم به ذکر است که ابراهیم بن ادهم و شقیق بن ابراهیم^{۴۰} از ائمه تصوف و محدثان شهیر عامه هستند و در متون روایی شیعه روایات متعددی از ایشان گزارش شده است. شقیق در سفر حج سال ۱۴۹ق، شیفته امام کاظم شده و شنیده هایش را از آن حضرت گزارش کرده است.^{۴۱}

ب. کابل: ابو خالد کابلی، از حواریون امام سجاد علیه السلام و شاگردان صادقین علیهم السلام،^{۴۲} و فرزندش هارون بن ابی خالد کابلی، راوی امام صادق علیه السلام،^{۴۳} دو راوی اهل کابل در سده دوم هستند. ج. جوزجان: سه تن از جوزجانی های سده دوم راوی روایات شیعی بوده اند که می توان به متکلم بزرگ شیعه هشام بن سالم جوالیقی کوفی،^{۴۴} از اصحاب امامان صادق و کاظم علیهم السلام - که اصالتاً جوزجانی بوده است -^{۴۵} اشاره کرد. یحیی بن زید بن علی بن حسین علیهم السلام (شهید در ۱۲۵ق،^{۴۶} در جوزجان)^{۴۷} نیز از راویان احادیث در منطقه جوزجان بوده است.

سده سوم هجری

در سده سوم تقریباً در تمام نواحی هفتگانه بلخ راویان حدیث شیعه حضور داشته اند.

۳۳. میزان الاعتدال، ج ۴، ص ۱۷۵، ش ۸۷۴۱.

۳۴. الفائق فی رواته وأصحاب الإمام الصادق علیه السلام، ج ۱، ص ۳۲.

۳۵. رجال الطوسی، ص ۳۳۷، ش ۵۰۱۵.

۳۶. ثواب الأعمال، ص ۲۰۸.

۳۷. رجال الطوسی، ص ۳۳۸.

۳۸. دلائل الإمامة، ص ۳۱۷ - ۳۱۸.

۳۹. الکامل فی التاریخ، ج ۶، ص ۲۳۷.

۴۰. الاعلام، ج ۳، ص ۱۷۱.

۴۱. دلائل الإمامة، ص ۳۱۷ - ۳۱۸.

۴۲. رجال الطوسی، ص ۱۱۹، ش ۱۳.

۴۳. همان، ص ۱۴۸، ش ۵ و ص ۳۱۷، ش ۱.

۴۴. همان، ص ۳۱۸، ش ۴۷۴۰.

۴۵. رجال النجاشی، ص ۴۳۴، ۱۱۶۵؛ اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۵۶۵، ش ۵۰۱.

۴۶. رجال النجاشی، ص ۴۳۴، ش ۱۱۶۵.

۴۷. الفائق فی رواته وأصحاب الإمام الصادق علیه السلام، ج ۳، ص ۴۲۳.

۴۸. بدن بی سرش را نیز در دروازه ورودی شهر جوزجان، به صلیب کشانند (مقاتل الطالبیین، ص ۱۰۷).

الف. بلخ: نام بیست و شش راوی بلخی در سده سوم به چشم می خورد. برخی از این راویان، افتخار شاگردی معصومان را داشته اند:
شاگردان امام صادق علیه السلام: ابو حذیفه اسحاق بن بشیر کاهلی، بلخی الاصل^{۴۹} (م ۲۰۶ ق- بنخارا).^{۵۰}

شاگرد امام کاظم علیه السلام: مقاتل بن مقاتل بلخی.^{۵۱}
شاگردان امام رضا علیه السلام: محمد بن ابی یعقوب بلخی،^{۵۲} محمد بن خالد بلخی (غلام امام رضا علیه السلام و راوی روایات ایشان)،^{۵۳} مقاتل بن مقاتل بلخی،^{۵۴} یحیی بن سعید بلخی.^{۵۵}
شاگرد امام هادی علیه السلام: محمد بن اسماعیل بلخی.^{۵۶}
شاگردان امام حسن عسکری علیه السلام: ابو سهل بلخی،^{۵۷} محمد بن عبد العزیز بلخی؛^{۵۸} که هر دو شاهد کرامتی از آن حضرت بوده اند.

در دوره غیبت صغرا نیز دو تن از بلخیان در شمار راویان بلخ بوده اند: نخست، أبو عبد الله بلخی است که با حسین بن روح، نایب سوم امام عصر علیه السلام و احمد بن اسحاق مرتبط بوده^{۵۹} و سپس نصر بن صباح أبو القاسم بلخی است که از افراد مورد اعتماد ناحیه مقدسه به شمار می رفته است.^{۶۰}

ب. بامیان: تنها راوی شیعه این دیار ابو هارون سنجی^{۶۱} است. ابو هارون، از اهالی سُنج (قریه ای از توابع بامیان) و استاد حدیث عبیس بن هشام، از اصحاب امام رضا علیه السلام است.^{۶۲}

۴۹. رجال النجاشی، ص ۷۲، ش ۱۷۱؛ رجال الطوسی، ص ۱۶۲، ش ۱۸۳۳.

۵۰. الفائق فی رواته و أصحاب الإمام الصادق علیه السلام، ج ۱، ص ۱۳۴.

۵۱. رجال البرقی، ص ۵۲.

۵۲. عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۸۸، ح ۱۷.

۵۳. رجال الطوسی، ص ۳۶۴، ش ۵۳۹۵.

۵۴. رجال النجاشی، ص ۴۲۴، ش ۱۱۳۹؛ رجال الطوسی، ص ۳۶۶، ش ۵۴۴۷.

۵۵. عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۱۲-۱۳.

۵۶. رجال الطوسی، ص ۳۹۲، ش ۵۷۸۲.

۵۷. کشف الغمّة، ج ۳، ص ۳۲۱.

۵۸. إثبات الوصیة، ص ۲۱۱؛ کشف الغمّة، ج ۳، ص ۲۱۸.

۵۹. اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۸۳۱، ش ۲.

۶۰. مستدرکات علم رجال الحدیث، ج ۸، ص ۶۷-۶۸، ش ۷.

۶۱. رجال النجاشی، ص ۴۵۵، ش ۱۲۳۴.

۶۲. الفهرست، ص ۵۳۹، ش ۸۸۱ و ص ۵۴۳، ش ۸۹۴؛ رجال النجاشی، ص ۴۵۵، ش ۱۲۳۴؛ رجال الطوسی، ص ۳۶۲.

ج. حُتَل: نام دوراوی این شهر در متون رجالی شیعه به چشم می خورد: ابو سلیمان ختلی^{۶۳} استاد حدیث أحمد بن ابی عبد الله برقی^{۶۴} (م ۲۷۴ یا ۲۸۰) و هشام بن ابراهیم ختلی مشرقی از اصحاب امام رضا علیه السلام که به سال ۱۹۹ هجری در خراسان همراه گروهی از راویان بزرگ شیعه خدمت امام رسیده و شاهد یک گفت و گوی مهم درون گروهی بوده است.^{۶۵}

د. کابل: ابو عبد الله کابلی تنها راوی راویات اهل بیت علیهم السلام در این قرن در کابل است.^{۶۶} هـ. ترمذ: یک راوی شیعی ترمذی به نام عبد الله بن قدامه از اصحاب امام ابو الحسن علیه السلام است.^{۶۷} با توجه به قراینی همچون طبقه راوی، احتمالاً وی راوی امام هادی علیه السلام است.

و. جوزجان: در سده سوم، تنها از یک راوی شیعه در این شهر آگاهیم و او همان محمد بن قاسم بن محمد الأرقط از نوادگان امام سجاد علیه السلام است که در جوزجان قیام کرد و شهر را تصرف نمود، ولی سپاه معتصم عباسی با آنان جنگیدند و وی را به زندان افکندند.^{۶۸} ز. فاریاب: جبریل بن احمد فاریابی، مشهور به أبو محمد کشی،^{۶۹} تنها راوی شیعی این دیار، و البته پر روایت، که مقیم کش بوده است.^{۷۰}

ح. ولایت صغانیان: دارم بن قبیصة صغانی سائح نهشلی صغانی از راویان امام رضا علیه السلام.^{۷۱}

سده چهارم هجری

در این قرن حدود سی و سه نفر راوی حدیث در شهرهای مختلف بلخ حضور داشته اند:

الف. بلخ: تعداد راویان بلخی در این قرن بیست و پنج نفر گزارش شده است. در میان

ش ۵۳۷۱.

۶۳. رجال الطوسی، ص ۴۵۲، ش ۶۴۲۵.

۶۴. الفهرست، ص ۵۲۸، ش ۸۴۹؛ رجال النجاشی، ص ۴۵۸، ش ۱۲۴۹.

۶۵. اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۴۹۸، ش ۹۵۶.

۶۶. کمال الدین و تمام النعمة، ص ۳۳۰.

۶۷. همان، ص ۴۱۳، ح ۱۴.

۶۸. مستدرکات علم رجال الحدیث، ج ۷، ص ۲۹۴، ش ۱۴۳۳۱.

۶۹. لسان المیزان، ج ۲، ص ۹۴-۹۵، ش ۳۰۰.

۷۰. رجال الطوسی، ص ۴۱۸، ش ۶۰۴۲.

۷۱. عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۷۴، ح ۳۱۷؛ رجال النجاشی، ص ۱۶۲، ش ۴۲۹.

اسامی ایشان، افراد مشهور بسیار اندک هستند. سه نفر از آنان از مشایخ اجازه‌اند: أحمد بن علی بلخی^{۷۲} استاد اجازه تلعبیری، أبو محمد شعیب بن محمد بن مقاتل بلخی استاد ابو مفضل شیبانی^{۷۳} و مظفر بن محمد بلخی خراسانی^{۷۴} (م ۳۶۷ق)^{۷۵} از راویان و متکلمان مشهور شیعی^{۷۶} و از شاگردان دست پرورده متکلم نامور ابوسهل نوبختی (شاگرد امام حسن عسکری)^{۷۷} و از مشایخ شیخ مفید.^{۷۸}

ب. خُتَل: تنها یک راوی؛ ابراهیم بن محمد ختلی، شاگرد سعد بن عبد الله قمی و علی بن حسن بن فضال^{۷۹} و استاد ابوعمر و کشی.^{۸۰}

ج. غزنة: تنها یک راوی؛ عبد الله بن حسین بن محمد غزنوی.^{۸۱}

د. ترمذ: نام چهار راوی ترمذی در اسناد کتاب‌های صدوق و طوسی مربوط به این دوران دیده می‌شود. این راویان عبارت‌اند از: صالح بن سعید ترمذی،^{۸۲} صالح بن عبد الله ترمذی،^{۸۳} محمد بن مصعب بن قاسم سلمی^{۸۴} و محمد بن اسماعیل ترمذی.^{۸۵}

ه. جوزجان: در راوی در متون شیعی مربوط به این دوران جوزجان هستند. نام ایشان در اسناد صدوق^{۸۶} و طوسی^{۸۷} آمده است.

سده پنجم هجری

سده پنجم دوران افول حضور محدثان شیعه در بلخ است. تنها نام نه تن از راویان

۷۲. رجال الطوسی، ص ۴۱۲، ش ۸۶۹۵.

۷۳. اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۴۵.

۷۴. معالم العلماء، ص ۱۵۹، ش ۸۳۸.

۷۵. رجال النجاشی، ص ۴۲۲.

۷۶. همان.

۷۷. الفهرست (شیخ طوسی)، ص ۴۷۳، ش ۷۶.

۷۸. الارشاد، ج ۱، ص ۲۹، ۴۳، ۴۵؛ الامالی (شیخ مفید)، ص ۲۸۶، ح ۴ و ۳۱۰، ح ۱.

۷۹. رجال الطوسی، ص ۴۰۷، ش ۵۹۲۵.

۸۰. اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۶، ح ۳، ص ۳۴۱، ح ۲۰۲؛ ج ۲، ص ۷۹۴، ح ۹۷۰.

۸۱. مائة مقبیه، ص ۳۰. او احتمالاً سنی است، ولی روایتش مورد اعتماد شیعه بوده است.

۸۲. علل الشرائع، ج ۱، ص ۲۷ - ۲۹.

۸۳. الامالی (شیخ طوسی)، ص ۴۱۶، ح ۹۳۷.

۸۴. الخصال، ص ۱۶۵، ح ۸.

۸۵. الامالی (شیخ طوسی)، ص ۳۸۳، ح ۸۳۰.

۸۶. علل الشرائع، ج ۲، ص ۴۶۷ - ۴۶۸.

۸۷. تهذیب الأحکام، ج ۹، ص ۲۵۹، ح ۷۱.

بلخی در متون روایی شیعه آمده است که مربوط به این دوران هستند. از مذهب این افراد نیز اطلاع دقیقی در دست نیست، ولی متون روایی آنها هم افق با اندیشه‌های شیعه بوده و محدثان شیعی نیز از ایشان روایت کرده‌اند. پنج نفر از ایشان بلخی و البته ناشناخته هستند.^{۸۸} دوراوی نیز غزنوی به نام‌های احمد بن محمد تمیمی و مسعود بن محمد غزنوی بوده^{۸۹} و دوراوی دیگر از کابل هستند؛^{۹۰} یکی از راویان کابلی اردشیر بن ابی الماجدین کابلی، دانشمند، فقیه و محدث شیعه و از شاگردان فرزند شیخ طوسی است.^{۹۱}

بدون تاریخ

نام سه راوی بلخی - که در دوره متقدمین می‌زیستند - در دست است که البته اطلاع دقیقی از محدوده تاریخی ایشان نداریم. این افراد عبارت‌اند از: احمد بن محمد بن کسری بن یسار بن قیراط بلخی^{۹۲} (راوی ادعیه قنوت اهل بیت)، جعفر بن علی بن حسان بلخی^{۹۳} و خالد بن شعیب بلخی^{۹۴} (راوی احادیث مهدویت)

ب) جلسات حدیثی

یکی از شاخصه‌های تلاش‌های حدیثی در هر منطقه برپایی جلسات حدیثی در آن سامان است. تقریباً در تمام مناطق بلخ از سده دوم تا پنجم چنین جلساتی برگزار می‌شده است که برخی از مهم‌ترین آنها اشاره می‌کنیم:

۱) سده دوم هجری جلسات تعلیم و قرائت صحیفه سجادیه

متوکل بن هارون ثقفی بلخی (یا متوکل بن عمیر بن متوکل بن هارون) از یحیی بن زید شهید، ادعیه جدش امام سجاد علیه السلام را شنیده است. متوکل بن هارون نیز این ادعیه را به فرزندش، عمیر آموخت تا او کتاب صحیفه را برای دیگران نقل کند. عمیر بن متوکل بن هارون بجلی ثقفی بلخی با دو سند صحیفه را گزارش کرده است که در هر دو سند به

۸۸. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۰۸، ح ۴۳۱؛ بشارة المصطفی، ص ۲۴۹، ح ۴۰ و ص ۱۷۱، ح ۱۲۰؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۳۲، ح ۵.

۸۹. البقیین، ص ۲۵۹ - ۲۶۰؛ المجتبی من دعاء المجتبی، ص ۸۸ - ۹۰.

۹۰. الفهرست (منتجب الدین)، ص ۳۴.

۹۱. همان.

۹۲. بحارالانوار، ج ۸۲، ص ۲۶۹.

۹۳. معالم العلماء، ص ۶۷.

۹۴. الملاحم والفتن، ص ۲۷۵، ح ۳۹۹.

یحیی ختم می شود. در سندی یحیی از پدرش زید^{۹۵} و زید از امام چهارم، و در سند دیگر یحیی به واسطه امام صادق علیه السلام^{۹۶} از آبای گرامی اش، صحیفه را نقل کرده است. از آنجا که سه راوی اصلی (متوکل و فرزندش عمیر و یحیی بن زید) از کسانی هستند که در بلخ بوده اند، بنا بر این، به احتمال قوی، این جلسات در بلخ شکل گرفته است.

۲) جلسه احمد بن علی بلخی

شیخ طوسی نام احمد بن علی بلخی را در شمار راویان با واسطه معصومان آورده است. و در توصیف وی گفته است که او مردی صالح و درستکار است و به تلعبیری اجازه روایت داده است.^{۹۷} هارون بن موسی تلعبیری (م ۳۸۵ق) در سفرش به خراسان احتمالاً به بلخ رفته، و از احمد بن علی بلخی اجازه روایت گرفته است.

۳) جلسات اساتید صدوق

جلسه حسن بن علی بن محمد عطار: شیخ صدوق حدیث معروف نبوی «حبب إلی من دنیاکم النساء والطیب، وجعل قرۃ عینی فی الصلاة» را با سند وی از او در بلخ شنیده است.^{۹۸}

جلسه عبد الرحمن بن محمد بن حامد بلخی (م ۳۵۵ق): صدوق چند روایت نبوی را در کتاب هایش از وی گزارش کرده است.^{۹۹}

۴) جلسه محمد بن علی بن زبیر بلخی

ابو مفضل شیبانی در سفرش به خراسان، در بلخ شاگردی محمد بن علی بن زبیر بلخی کرده است. محمد بن علی برای شیبانی کرامت مشهور امام کاظم را - که برای شقیق بلخی رخداده بود - گزارش کرده است.^{۱۰۰}

از گزارش های موجود می توان دریافت محدثان دیگری نیز در این منطقه جلسات حدیثی داشته اند؛ به عنوان نمونه: نضر بن اصبغ بن منصور بغدادی^{۱۰۱} و بشر بن محمد بن

۹۵. رجال النجاشی، ص ۴۲۶، ش ۱۱۴۴؛ الفهرست (شیخ طوسی)، ۲۵۳، ش ۷۶۹.

۹۶. جمال الاسبوع، ص ۲۶۲؛ فتح الایواب، ص ۷۷؛ بحار الأنوار ج ۵۶، ص ۲۱۶ - ۲۱۷.

۹۷. رجال الطوسی، ص ۴۱۲، ش ۸۶۹۵.

۹۸. الخصال، ص ۱۶۵، ح ۸.

۹۹. همان، ص ۲۹۴، ح ۶۰؛ فضائل الأشهر الثلاثة، ص ۱۷ - ۱۸، ح ۲.

۱۰۰. دلائل الامامة، ص ۳۱۷، ح ۲۶۳.

۱۰۱. الخصال، ص ۲۹۴، ح ۶۰.

نصر بن لیث بلخی^{۱۰۲} هر دو در سده چهارم در بلخ، أحمد بن محمد تمیمی^{۱۰۳} در سده پنجم در غزنه، و یحیی بن زید هاشمی مدنی (ش ۱۲۵ق) در سده دوم^{۱۰۴} در منطقه جوزجان جلسات حدیثی داشته‌اند.

ج) کتاب‌های حدیثی

پانزده نویسنده شیعی از محدوده بلخ در پنج سده نخست هجری می‌زیستند که از این تعداد، نه نفر ایشان از خود بلخ و مابقی از دیگر شهرهای بلخ بوده‌اند. با اسامی و کتاب‌های ایشان آشنا می‌شویم:

۱) بلخ

شقیق بن ابراهیم بلخی، از اصحاب روایت امام کاظم^{۱۰۵} است و روایات او بیشتر درباره مسائل اخلاقی است.^{۱۰۶} او آثاری نیز داشته است. شیخ سلیمان ماحوزی (م ۱۲۱ق)، از استادش علامه مجلسی شنیده که شقیق بلخی مؤلف کتاب *مصباح الشریعة*^{۱۰۷} است.^{۱۰۸} برخی نیز بر این باورند که مؤلف *مصباح الشریعة*، سلیمان صهرشتی، شاگرد سید مرتضی علم الهدی است و او کتاب شقیق بلخی را خلاصه کرده است.^{۱۰۹}

مقاتل بن سلیمان، از راویان امام باقر و امام صادق علیهما السلام که به لغت، قراءات و تفسیر کاملاً اشراف داشته و او را از اعلام مفسران خوانده‌اند. آثار وی عبارت است از: *الوجوه و النظائر، الناسخ و المنسوخ، تفسیر القرآن، الرد علی القدریة، الأقسام واللغات، الآیات المتشابهاة، القراءات* و...^{۱۱۱} عبدالله بن مبارک کتاب تفسیر او را بهترین تفسیر می‌داند. البته می‌گوید: اگر او ثقه بود.^{۱۱۲} با توجه به این که بیشترین تفاسیر در این سده‌ها، روایی بوده است، به

۱۰۲. الامالی (شیخ طوسی)، ص ۵۱۶، ح ۱۱۳۰.

۱۰۳. المجتبی من دعاء المجتبی، ص ۸۸ - ۹۰.

۱۰۴. الفهرست (شیخ طوسی)، ص ۴۷۷، ش ۷۶۹.

۱۰۵. دلائل الامامة، ص ۳۱۷ - ۳۱۸.

۱۰۶. رک: بحار الأنوار، ج ۱۴، ص ۳۲۲؛ ج ۶، ص ۶۹، ح ۴۲.

۱۰۷. *مصباح الشریعة* از کتاب‌هایی است که از دیرباز (عصر سید بن طاووس) به امام صادق منسوب بوده و این انتساب همواره مخالفت‌های جدای را نیز به خود دیده است. این کتاب در یکصد فصل و یکصد موضوع اخلاقی - عرفانی شکل گرفته و به متون صوفیه نزدیک است.

۱۰۸. الذریعة، ج ۲۱، ص ۱۱۱، ش ۴۱۶۷.

۱۰۹. رک: تکملة أمل الأمل، ص ۳۶.

۱۱۰. مستدرکات علم رجال الحدیث، ج ۷، ص ۴۸۵، ش ۱۵۱۵۴.

۱۱۱. الفائق فی روائه وأصحاب الإمام الصادق علیه السلام، ج ۳، ص ۲۹۷ - ۲۹۸.

۱۱۲. میزان الاعتدال، ج ۴، ص ۱۷۵، ش ۸۷۴۱.

احتمال قوی بخشی از آثار وی نیز حدیثی بوده است.

اسحاق بن بشر خراسانی و بلخی الاصل (م ۲۰۶ ق)،^{۱۱۳} از راویان احادیث امام صادق علیه السلام^{۱۱۴} و مورخ که آثاری همچون کتاب *المبتدأ، الردة، صفین، الفتوح، الجمل والألویة* را نگاشته است.^{۱۱۵}

مقاتل بن مقاتل بلخی، از راویان و شاگردان شیعی امام کاظم^{۱۱۶} و امام رضا^{۱۱۷} علیهما السلام است. او نویسنده یک کتاب روایی بوده است.^{۱۱۸}

نصر بن صباح (أبو القاسم بلخی)، متکلم و رجالی شیعی و استاد کشی است و نیز مؤلف آثاری همچون کتاب *معرفة الناقلین* و کتاب *فرق الشيعة*.^{۱۱۹}

لیث بن محمد بن نصر بن لیث بلخی، او در سال ۲۶۱ ق، شاگرد احمد بن عبد الصمد مزاحم هروی (خواهرزاده اباصلت هروی) بوده است.^{۱۲۰} لیث بن محمد بن نصر دارای کتاب بوده و روایات را از کتابش برای شاگردان املا می‌کرده است.^{۱۲۱}

ابوالجیش مظفر بن محمد بلخی خراسانی، وراق^{۱۲۲} (م ۳۶۷ ق) از راویان و متکلمان مشهور شیعی،^{۱۲۳} در قرن چهارم و از شاگردان متکلم نامور شیعه ابوسهل نوبختی (شاگرد امام حسن عسکری) است.

او کتاب‌های متعددی نگاشته که بیشتر در علم کلام بوده است. کتاب *فعلت فلا تلم* در موضوع مثالب، کتاب *نقض کتاب العثمانیة اثر جاحظ*، کتاب *الاعراض والنکت فی الامامة*،^{۱۲۴} کتاب *مجالسة مع المخالفین فی معان مختلفة*، کتاب *فدک*، کتاب *الرد علی من جوز علی القديم البطلان*، کتاب *الأرزاق والأجال*، کتاب *الانسان*،^{۱۲۵} کتاب *الإمامة*،

۱۱۳. الفائق فی رواة وأصحاب الإمام الصادق علیه السلام، ج ۱، ص ۱۳۴.

۱۱۴. رجال النجاشی، ص ۷۲، ش ۱۷۱؛ رجال الطوسی، ص ۱۶۲، ش ۱۸۳۳.

۱۱۵. الفائق فی رواة وأصحاب الإمام الصادق علیه السلام، ج ۱، ص ۱۳۴.

۱۱۶. رجال البرقی، ص ۵۲.

۱۱۷. رجال النجاشی، ص ۴۲۴، ش ۱۱۳۹.

۱۱۸. همانجا.

۱۱۹. همان، ص ۴۲۸، ش ۹۴۱۱.

۱۲۰. الامالی (شیخ طوسی)، ص ۴۷۶، ح ۱۰۴۱.

۱۲۱. همان، ص ۵۸۸، ح ۱۲۲۰.

۱۲۲. معالم العلماء، ص ۱۵۹، ش ۸۳۸.

۱۲۳. رجال النجاشی، ص ۴۲۲.

۱۲۴. الفهرست (شیخ طوسی)، ص ۴۷۳، ش ۷۶.

۱۲۵. رجال النجاشی، ص ۴۲۲.

خصال الکمال، و کتاب نقض ما روی من مناقب الرجال،^{۱۲۶} از جمله آثار اوست. شیخ مفید مدتی شاگردی او را کرده و کتاب های وی را نزدش قرائت کرده است.^{۱۲۷} ابن شهر آشوب در المناقب از کتاب خصال الکمال ابوالجیش بلخی روایتی را از ساده زیستی امام علی در دوره خلافتش گزارش کرده است.^{۱۲۸}

أحمد بن محمد بن کسری بن یسار بن قیراط بلخی، در گزارشی أحمد بن محمد بن عیسی علوی دعایی به نام دعاء السامری (از ادعیه قنوت معصومان) را از نسخه أحمد بن محمد بن کسری که در نیشابور نگاهشته، برای شاگردش قرائت می کند.^{۱۲۹}

جعفر بن علی بن حسان بلخی، او دارای آثاری همچون کتاب نوادر و روایات بوده است.^{۱۳۰}

۲) بامیان

أبو هارون سنجی یا سنجی، از راویان شیعی و از اهالی سنج (روستایی از توابع بامیان) و نویسنده یک اثر روایی است. عبیس بن هشام، از اصحاب امام رضا علیه السلام^{۱۳۱} شاگرد و راوی کتاب اوست.^{۱۳۲}

۳) ختل

أبو سلیمان ختلی^{۱۳۳} یا جلی، از محدثان امامیه ختل دارای یک کتاب حدیث. شاگردش أحمد بن أبی عبد الله برقی (م ۲۷۴ یا ۲۸۰ق) این کتاب را از او روایت کرده است.^{۱۳۴}

۴) کابل

بنا بر گزارش شیخ طوسی، ابو خالد کابلی، از یاران ویژه امام سجاد بوده و مؤلف یک

۱۲۶. معالم العلماء، ص ۱۵۹، ش ۸.

۱۲۷. الفهرست (شیخ طوسی)، ص ۴۷۳، ش ۷۶.

۱۲۸. مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۳۳۶.

۱۲۹. بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۲۶۹.

۱۳۰. معالم العلماء، ص ۶۷.

۱۳۱. رجال الطوسی، ص ۳۶۲، ش ۵۳۷۱.

۱۳۲. الفهرست (شیخ طوسی)، ص ۵۳۹، ش ۸۸۱ و ص ۵۴۳، ش ۸۹۴؛ رجال النجاشی، ص ۴۵۵، ش ۱۲۳۴.

۱۳۳. ایضاح الاشتباه، ص ۳۲۳، ش ۷۷۸.

۱۳۴. الفهرست (شیخ طوسی)، ص ۵۲۸، ش ۸۴۹؛ رجال النجاشی، ص ۴۵۸، ش ۱۲۴۹.

کتاب حدیثی است.^{۱۳۵} البته ابن شهر آشوب او را صاحب چند کتاب می‌داند.^{۱۳۶}

۵) جوزجان

هشام بن سالم جوالیقی کوفی، از راویان سختکوش امامان صادق و کاظم علیهما السلام، و مؤلف چند اثر علمی است؛ از آن جمله کتاب الحج، کتاب التفسیر، و کتاب المعراج است.^{۱۳۷}

۶) صغانیان

دارم بن قبیصة بن نهشل صغانی، مشهور به ابوالحسن دارمی از راویان امام رضا علیه السلام است.^{۱۳۸} او دو کتاب الوجوه والنظائر والناسخ والمنسوخ را ظاهراً از امام رضا روایت کرده است.^{۱۳۹}

۷) فاریاب

جبریل بن أحمد فاریابی، مشهور به أبو محمد کشی،^{۱۴۰} از راویان شیعی قرن سوم و مقیم در کش بوده است.^{۱۴۱} ابو عمرو کشی به واسطه اساتیدش از او روایت کرده^{۱۴۲} و گاهی نیز مستقیماً از کتاب وی روایت کرده است.^{۱۴۳} فاریابی آثاری در رجال داشته است. بعید نیست که کتاب مفاخر الکوفة والبصرة - که کشی از آن نقل کرده - از این دانشمند بوده باشد.

د) تعامل با اهل سنت

اگر چه مشهور است که خطه بلخ مملو از اهل سنت بوده است، ولی حقیقت آن است که ایرانیان به خاطر علاقه ای که به امام علی و فرزندان ایشان داشتند، همواره از عنایات حکام اموی محروم بودند. نمی‌توان گفت که این علاقه مندی به اهل بیت، آنان را پیرو کامل اندیشه شیعی کرده بود، ولی به حق تمایلات آنان به دوستی با اهل بیت و مخالفت با

۱۳۵. الفهرست (شیخ طوسی)، ص ۲۶۹ - ۲۷۰، ش ۸۳۰.

۱۳۶. معالم العلماء، ص ۱۷۳، ش ۹۶۹.

۱۳۷. رجال النجاشی، ص ۴۳۴، ش ۱۱۶۵.

۱۳۸. همان، ص ۱۶۲، ش ۴۲۹؛ رجال ابن الغضائری، ج ۲، ص ۲۷۸.

۱۳۹. رجال النجاشی، ص ۱۶۲، ش ۴۲۹.

۱۴۰. لسان المیزان، ج ۲، ص ۹۴ - ۹۵، ش ۳۰۰.

۱۴۱. رجال الطوسی، ص ۴۱۸، ش ۶۰۴۲.

۱۴۲. اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۱۵ - ۱۶، ح ۷ و ص ۳۵۶ - ۳۵۷، ح ۲۲۸؛ ج ۲، ص ۴۳۹، ح ۳۴۱ و...

۱۴۳. در این موارد او می‌نویسد: «وجدت بخط جبریل بن أحمد الفاریابی فی کتابه» (رک: اختیار معرفة الرجال، ج ۲،

ص ۶۱۷، ح ۵۸۹ و ص ۶۹۲، ح ۷۴۱).

اندیشه‌های حکومت اموی نمود داشته است؛ چه این که علویان نیز با شناختی که از اندیشه ایرانیان داشتند، این مناطق را برای زیستن بیشتر می‌پسندیدند. حضور یحیی بن زید در بلخ و پناه آوردن جمعی از زیدیان و یاری رساندن بلخیان به ایشان نیز بعید نیست که به همین منظور بوده است. در دوران عباسیان، به ویژه در یکصد سال نخست و توجه حاکمان به ایرانیان سبب خیزشی عمومی و انقلاب درونی گردید؛ به ویژه آن که در برهه‌ای از حکومت عباسی، برامکه - که از نسل بوداییان مناطق بلخ بودند - در سطح وزارت، عهده دار بسیاری از امور بلاد اسلامی شدند. باید باور داشت که در سده نخست هجری تفاوت آشکاری بین اندیشه شیعی و سنی چندان نمود ندارد، ولی در عصر تدوین کتب حدیث، به تدریج، این تفاوت‌ها در فقه و کلام برمی‌نماید.

راویان سنی در اسناد روایات شیعه

شیعیان در نقل روایات اخلاقی و فضایل اهل بیت، به ویژه برتری‌های امام علی در نقل روایت از سنیان باکی نداشتند. در این میان، از راویان سنی بلخ - که دانشیان شیعی از ایشان نقل روایت کرده‌اند - می‌توان به این افراد اشاره کرد:

ابراهیم بن آدم،^{۱۴۴} حافظ ابوالسکن مکی بن ابراهیم بن بشر حنظلی بلخی^{۱۴۵} (م ۲۱۵ق)، حافظ ابوالولید، حامد بن محمد بن شعیب بلخی^{۱۴۶} (م ۳۰۹ق)، حسن بن شجاع بلخی^{۱۴۷} (م ۲۴۴ق)، حسن بن محمد بلخی دریندی^{۱۴۸} (م ۴۵۶ق)، خلف بن محمد بن أحمد بلخی،^{۱۴۹} شقیق بن ابراهیم بلخی،^{۱۵۰} عبد الرحمن بن محمد بن حامد بلخی^{۱۵۱} (م ۳۵۵ق)، عبد الصمد بن فضل بلخی،^{۱۵۲} عبد الله بن حسین بن محمد غزنوی،^{۱۵۳} علی بن حسین غزنوی^{۱۵۴} (م ۵۵۱ق)، محمد بن أحمد بن مصعب بن قاسم

۱۴۴. الفائق فی رواة وأصحاب الإمام الصادق علیه السلام، ج ۱، ص ۳۲.

۱۴۵. الخصال، ص ۴۸۶ - ۴۸۷؛ الامالی (شیخ مفید)، ص ۶۳، ح ۹؛ الامالی (شیخ طوسی)، ص ۳۱۰، ح ۶۲۵ و ص ۳۸۱، ح ۸۱۸.

۱۴۶. الخصال، ص ۴۷۳، ح ۲۸؛ فضائل الأشهر الثلاثة، ص ۱۴۴، ح ۱۵۸.

۱۴۷. الامالی (شیخ طوسی)، ص ۳۴۷، ح ۴۱۹.

۱۴۸. بشارة المصطفی، ص ۱۷۱، ح ۱۴۰.

۱۴۹. معانی الأخیار، ص ۴۱، ح ۲.

۱۵۰. دلائل الامامة، ص ۳۱۷ - ۳۱۸.

۱۵۱. فضائل الأشهر الثلاثة، ص ۱۷، ح ۲ و نسخه الخصال در نزد علامه مجلسی: بحار الأنوار، ج ۷۲، ص ۶۵، ح ۱.

۱۵۲. الخصال، ص ۳۴۵، ح ۱۲.

۱۵۳. مائة منقبة، ص ۳۰.

۱۵۴. حلیة الأبرار، ج ۲، ص ۱۳۸، ح ۲.

سلمی،^{۱۵۵} محمد بن اسماعیل ترمذی،^{۱۵۶} محمد بن حسن بلخی^{۱۵۷} (زنده در ۲۲۶ ق)،
مقاتل بن سلیمان.^{۱۵۸}

شاگردان سنی امامان از بلخ

چند تن از شاگردان و راویان مستقیم اهل بیت نیز از اهل سنت بلخ هستند:
مقاتل بن سلیمان خراسانی بلخی^{۱۵۹} از شاگردان امام باقر و امام صادق علیهما السلام و افرادی
همچون ابراهیم بن ادهم،^{۱۶۰} سلم بن سالم بلخی^{۱۶۱} (م ۱۹۶ ق)، عمر بن هارون
بلخی^{۱۶۲} (م ۱۹۴ ق) و مقاتل بن حیان بکری نبطی بلخی^{۱۶۳} (م ۱۵۰ ق) از شاگردان امام
صادق و شقیق بن ابراهیم بلخی^{۱۶۴} نیز از راویان امام کاظم است.
گفتنی است در میان راویان بلخ، فردی به نام ابو عبد الله محمد بن علی بن
خلف عطار کوفی بلخی^{۱۶۵} حضور دارد که از راویان پرحديث است. وی مورد اعتماد
برخی از محدثان متقدم شیعه و سنی بوده است. در شیعه حمیری قمی (م ۳۰۰ ق)^{۱۶۶}
شاگرد وی بوده است. صدوق نیز بارها با دو واسطه یا بیشتر^{۱۶۷} از او روایت کرده است.
در میان اهل سنت نیز طبرانی با یک واسطه از او روایت کرده است.^{۱۶۸} محتوای
روایات او بیانگر اعتقادات ویژه شیعی است؛ به عنوان نمونه در روایات او فضایل
بسیار مهمی برای اهل بیت، حضرت زهرا،^{۱۶۹} امام علی،^{۱۷۰} ضرورت عصمت

۱۵۵. الخصال، ص ۱۶۵، ح ۸.

۱۵۶. الأمالی (شیخ طوسی)، ص ۳۸۳ - ۳۸۴، ح ۸۳۰.

۱۵۷. جمال الاسبوع، ص ۹۷.

۱۵۸. الأمالی (شیخ صدوق)، ص ۲۹.

۱۵۹. اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۶۸۸.

۱۶۰. الفائق فی رواته وأصحاب الإمام الصادق علیه السلام، ج ۱، ص ۳۲.

۱۶۱. رجال الطوسی، ص ۲۱۹، ش ۲۹۰۱.

۱۶۲. همان، ص ۲۵۴، ش ۳۵۷۶؛ تاریخ بغداد، ج ۱۱، ص ۱۸۷ - ۱۹۰، ش ۵۸۹۹.

۱۶۳. رجال الطوسی، ص ۳۱۰، ش ۴۶۰۱.

۱۶۴. دلائل الامامة، ص ۳۱۷ - ۳۱۸.

۱۶۵. مستدرکات علم رجال الحديث، ج ۷، ص ۲۲۶ - ۲۲۷، ش ۶.

۱۶۶. قرب الاسناد، ص ۱۶۲، ح ۵۸۹ و ۵۹۱.

۱۶۷. معانی الاخبار، ص ۱۲۵، ح ۱ و ص ۱۳۲، ح ۲؛ التوحید، ص ۱۸۴، ح ۲۱.

۱۶۸. المعجم الاوسط، ج ۴، ص ۲۶۳.

۱۶۹. الأمالی (شیخ صدوق)، ص ۳۰۵، ح ۳۴۸.

۱۷۰. التوحید، ص ۱۸۴، ح ۲۱.

امامان^{۱۷۱} و... دیده می‌شود. روایات تفسیری او نیز به همین منوال است؛ به عنوان نمونه در تفسیر «الکلمات التي تلقاها آدم من ربه فتاب» نقل می‌کند که آن کلمات قسم آدم به حق پنج تن آل عبا بوده است.^{۱۷۲}

روایات او در متون اهل سنت نیز شبیه به متون شیعه است؛ مثلاً روایت نبوی «الناس من شجر شتی وانا و علی من شجرة واحدة»،^{۱۷۳} روایت مشهور دوات و صحیفه به هنگام وفات،^{۱۷۴} جریانات شورا و غضب خلافت،^{۱۷۵} و یا روایت لعن ابو موسی اشعری^{۱۷۶} و... از آن جمله است. خطیب بغدادی به نقل از شاگرد محمد بن علی، او را در روایت ثقة، مأمون و دارای خردی نیکو معرفی کرده است.^{۱۷۷} اما نقل روایات مخالف اعتقادات عامه توسط وی سبب شده که افرادی همچون ابن عدی^{۱۷۸} و ابن حجر^{۱۷۹} وی را متهم کرده و حتی ابن عدی درباره او چنین گفته است:

البلاء عندی الحدیث من العطار و قال عنده العجائب.^{۱۸۰}

این دیدگاه‌های عالمان سنی و متون روایی موجود از محمد بن علی بن خلف، این گمانه را تقویت می‌کند که وی محدثی شیعی بوده است.

ه) ارتباط حوزه حدیثی بلخ با دیگر حوزه‌ها و مدارس حدیثی

بعضی از راویان حدیث از ولایات بلخ، جهت علم آموزی به مراکز دیگر سفر کرده‌اند. البته برخی از این سفرها ثبت تاریخی شده و برخی دیگر بیشتر در حد گمانه زنی است که از قراین حاصل شده است.

مدینه

مدینه در سده دوم مرکز علم و فقاهاست بود. شماری از راویان بلخی به مدینه می‌آمدند تا

۱۷۱. معانی الاخبار، ص ۱۳۲، ح ۲.

۱۷۲. الخصال، ص ۲۷۰، ح ۸.

۱۷۳. همان، ج ۴، ص ۲۶۳.

۱۷۴. همان، ج ۵، ص ۲۸۵.

۱۷۵. همانجا.

۱۷۶. لسان المیزان، ج ۵، ص ۲۹۰، ح ۹۸۸.

۱۷۷. تاریخ بغداد، ج ۳، ص ۲۶۹، ح ۱۳۱۸.

۱۷۸. میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۶۵۱، ح ۷۹۶۲.

۱۷۹. لسان المیزان، ج ۵، ص ۲۹۰، ح ۹۸۸.

۱۸۰. میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۶۵۱، ح ۷۹۶۲.

از اهل بیت علیهم السلام بهره گیرند.

آوازه علم امام صادق در عصر خویش به دورترین مکان‌های بلاد اسلامی، همانند بلخ رسیده بود. این که تعدادی از علم دوستان بلخی راهی مدینه شده و محضر درس امام را درک کنند، بسیار قابل توجه است. در میان این مسافران حدیث‌جو این اسامی به چشم می‌خورد:

شاگردان امام سجاده: ابو خالد کابلی، پس از مهاجرت از کابل مدت هفت سال^{۱۸۱} به گمان آن که محمد بن حنفیه امام است، در خدمت او بوده^{۱۸۲} و سپس هدایت شده و در شمار حواریون^{۱۸۳} امام چهارم قرار می‌گیرد.

شاگردان صادقین علیهم السلام: مقاتل بن سلیمان بلخی،^{۱۸۴} ابو خالد کابلی.^{۱۸۵}

شاگردان امام صادق: ابراهیم بن ادهم بن منصور،^{۱۸۶} ابو عبد الله بلخی،^{۱۸۷} سالم بن

سالم بلخی،^{۱۸۸} ابو حذیفه اسحاق بن بشر کاهلی خراسانی بلخی.^{۱۸۹}

شاگردان امام کاظم: زیاد بن سلیمان بلخی،^{۱۹۰} سعد^{۱۹۱} یا سعید بن ابی سعید

بلخی،^{۱۹۲} شقیق بن ابراهیم بن علی بلخی^{۱۹۳} (در حج سال ۱۴۹ق، همراه امام بوده

است)،^{۱۹۴} مقاتل بن مقاتل بلخی^{۱۹۵} (وی شاگرد امام رضا نیز بوده است).^{۱۹۶}

۱۸۱. الهدایة الکبری، ص ۲۲۵ - ۲۲۶.

۱۸۲. اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۳۳۶ - ۳۳۷، ح ۱۹۲.

۱۸۳. همان، ج ۱، ص ۳۹ - ۴۳، ح ۲۰.

۱۸۴. همان، ج ۲، ص ۶۸۸؛ میزان الاعتدال، ج ۴، ص ۱۷۵، ش ۸۷۴۱؛ الامالی (شیخ صدوق)، ص ۲۹؛ مستدرکات علم رجال

الحدیث، ج ۷، ص ۴۸۵، ش ۱۵۱۵۴.

۱۸۵. رجال الطوسی، ص ۳۱۷، ش ۱.

۱۸۶. الفائق فی رواته وأصحاب الإمام الصادق علیهما السلام، ج ۱، ص ۳۲.

۱۸۷. الخرائج والجرائح، ج ۱، ص ۲۹۷ تا ۲۹۹.

۱۸۸. رجال الطوسی، ص ۲۱۹، ش ۲۹۰۱.

۱۸۹. رجال النجاشی، ص ۷۲، ش ۱۷۱؛ رجال الطوسی، ص ۱۶۲، ش ۱۸۳۳.

۱۹۰. رجال الطوسی، ص ۳۳۷، ش ۵۰۱۵.

۱۹۱. ثواب الأعمال، ص ۲۰۸.

۱۹۲. علل الشرائع، ج ۲، ص ۶۰۲، ح ۶۲؛ ثواب الأعمال، ص ۲۰۸.

۱۹۳. الاعلام، ج ۳، ص ۱۷۱.

۱۹۴. دلائل الامامة، ص ۳۱۷ - ۳۱۸.

۱۹۵. رجال البرقی، ص ۵۲.

۱۹۶. رجال النجاشی، ص ۴۲۴، ش ۱۱۳۹.

کوفه

مقاتل بن سلیمان خراسانی بلخی^{۱۹۷} شاگرد حسن بن محبوب^{۱۹۸} محمد بن یعقوب بلخی شاگرد صفوان بن یحیی^{۱۹۹} ابراهیم بن محمد خُتلی شاگرد علی بن حسن بن فضال^{۲۰۰} ابو سلیمان ختلی^{۲۰۱}.

همچنین هشام بن سالم جوالیقی، از اسرای منطقه جوزجان بلخ که بعدها به مناطق حجاز و عراق سفر کرد. او از اصحاب امامان صادق و کاظم علیهما السلام بوده و حضور پررنگی در کوفه و بغداد داشته است و وی را بیشتر کوفی خوانده‌اند.^{۲۰۲}

قم

ابراهیم بن محمد خُتلی از راویان بلخی پر مسافرت و شاگرد سعد بن عبد الله^{۲۰۳} احمد بن ادریس قمی^{۲۰۴} و دیگر راویان قمی در قم بوده است.^{۲۰۵} در دوران استادی به سمرقند رفت و سمت استادی ابو عمرو کندی را نیز عهده دار بوده است.^{۲۰۶} جبریل بن احمد فاریابی^{۲۰۷} و مقاتل بن سلیمان خراسانی بلخی^{۲۰۸} نیز به قم سفر کرده‌اند.

بغداد

مقاتل بن سلیمان خراسانی بلخی، مدرس حدیث در بغداد،^{۲۰۹} ابو عبد الله بلخی (از راویان دوره غیبت صغرا و مرتبط با احمد بن اسحاق)^{۲۱۰} ابو حذیفه اسحاق بن بشر

۱۹۷. اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۶۸۸؛ میزان الاعتدال، ج ۴، ص ۱۷۵، ش ۸۷۴۱.
 ۱۹۸. مستدرکات علم رجال الحدیث، ج ۷، ص ۴۸۵، ش ۱۵۱۵۴.
 ۱۹۹. عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۴۵-۲۴۶، ح ۳.
 ۲۰۰. رجال الطوسی، ص ۴۰۷، ش ۵۹۲۵.
 ۲۰۱. الفهرست (شیخ طوسی)، ص ۵۲۸، ش ۸۴۹؛ رجال النجاشی، ص ۴۵۸، ش ۱۲۴۹.
 ۲۰۲. رجال النجاشی، ص ۴۳۴، ش ۱۱۶۵؛ اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۵۶۵، ح ۵۰۱؛ رجال الطوسی، ص ۴۵۲، ش ۶۴۲۵.
 ۲۰۳. رجال الطوسی، ص ۴۰۷، ش ۵۹۲۵.
 ۲۰۴. اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۶، ح ۳.
 ۲۰۵. رجال الطوسی، ص ۴۰۷، ش ۵۹۲۵.
 ۲۰۶. اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۶، ح ۳، ص ۳۴۱، ح ۲۰۲؛ ج ۲، ص ۷۹۴، ح ۹۷۰.
 ۲۰۷. رجال الطوسی، ص ۴۱۸، ش ۶۰۴۲.
 ۲۰۸. اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۶۸۸؛ میزان الاعتدال، ج ۴، ص ۱۷۵، ش ۸۷۴۱؛ مستدرکات علم رجال الحدیث، ج ۷، ص ۴۸۵، ش ۱۵۱۵۴.
 ۲۰۹. اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۶۸۸؛ میزان الاعتدال، ج ۴، ص ۱۷۵، ش ۸۷۴۱؛ الفائق فی رواته وأصحاب الإمام الصادق علیه السلام، ج ۳، ص ۲۹۷-۲۹۸.
 ۲۱۰. اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۸۳۱، ح ۲.

خراسانی بلخی،^{۲۱۱} محمد بن اسماعیل بلخی (راوی امام هادی،^{۲۱۲} محمد بن عبد العزیز بلخی (از اصحاب روایت امام حسن عسکری)،^{۲۱۳} محمد بن علی بن خلف عطار کوفی^{۲۱۴} بلخی (از راویان پرحديث و ساکن بغداد)،^{۲۱۵} مظفر بن أحمد بلخی (استاد شیخ مفید)،^{۲۱۶} جبریل بن احمد فاریابی^{۲۱۷} و ابوالجیش مظفر بلخی و راق^{۲۱۸} (راوی و متکلم مشهور شیعی،^{۲۱۹} شاگرد ابوسهل نوبختی^{۲۲۰} و استاد شیخ مفید) همگی بخشی از عمر خویش را در بغداد گذرانده‌اند.

گفتنی است ابوالحسن دارم بن قبیصة بن نهشل صغانی از شاگردان و راویان امام رضاست.^{۲۲۱} او نیز در سفر به عراق روایتی نبوی را - که از امام رضا شنیده بود - برای علی بن محمد بن عیینه در سر من رای روایت کرده است.^{۲۲۲}

ماوراءالنهر

جمعی از بزرگان حدیثی بلخ در کش و سمرقند حضور داشته‌اند و معمولاً بیشتر آنان با محمد بن مسعود عیاشی و ابو عمرو کثی مرتبط بوده‌اند:

اساتید عیاشی و کثی: آدم بن محمد قلانسی بلخی^{۲۲۳} و همچنین جبریل بن أحمد فاریابی از راویان شیعی قرن سوم و مقیم در کش^{۲۲۴} بوده است. او را «کثیر الروایة عن العلماء بالعراق وقم وخراسان»^{۲۲۵} توصیف کرده‌اند. و آنچه که از حلقه

۲۱۱. رجال النجاشی، ص ۷۲، ش ۱۷۱؛ رجال الطوسی، ص ۱۶۲، ش ۱۸۳۳؛ الفائق فی رواة وأصحاب الإمام الصادق علیه السلام، ج ۱، ص ۱۳۴.

۲۱۲. رجال الطوسی، ص ۳۹۲، ش ۵۷۸۲.

۲۱۳. إثبات الوصیة، ص ۲۱۱؛ كشف الغمة، ج ۳، ص ۲۱۸.

۲۱۴. در متون عامه معمولاً با عنوان محمد بن علی بن خلف العطار الکوفی آمده است (رک: تاریخ بغداد، ج ۳، ص ۲۶۹، ح ۱۳۱۸).

۲۱۵. تاریخ بغداد، ج ۳، ص ۲۶۹، ح ۱۳۱۸.

۲۱۶. الامالی (شیخ طوسی)، ص ۶۴، ح ۹۳ و ص ۱۰۰، ح ۱۵۴.

۲۱۷. رجال الطوسی، ص ۴۱۸، ش ۶۰۴۲.

۲۱۸. معالم العلماء، ص ۱۵۹، ش ۸۳۸.

۲۱۹. رجال النجاشی، ص ۴۲۲.

۲۲۰. الفهرست (شیخ طوسی)، ص ۴۷۳، ش ۷۶.

۲۲۱. رجال النجاشی، ص ۱۶۲، ش ۴۲۹؛ رجال ابن الفضالی، ج ۲، ص ۲۷۸.

۲۲۲. عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۳۱۶ - ۳۱۷.

۲۲۳. اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۷۱ - ۷۲؛ کمال الدین و تمام النعمة، ص ۷۰؛ لسان المیزان، ج ۱، ص ۳۳۷، ش ۱۰۴۲.

۲۲۴. رجال الطوسی، ص ۴۱۸، ش ۶۰۴۲.

۲۲۵. همانجا.

درس^{۲۲۶} او ابن حجر گزارش می‌دهد، مربوط به حضور وی در دوران استادی اش در خراسان است. در ماوراء النهر عیاشی افتخار شاگردی وی را داشته و حضور پررنگ روایات وی در کتاب رجال کشی تا امروز جاودانه است.

اساتید کشی: ابراهیم بن محمد خُتلی^{۲۲۷} و نصر بن صباح أبو القاسم بلخی^{۲۲۸} با توجه به نام کتاب نصر بن صباح - که عبارت است از کتاب *معرفة الناقلین*^{۲۲۹} - احتمال دارد که کشی تحت تأثیر همین اثر، رجال خود را تدوین کرده باشد. شاگرد عیاشی: أبو عمرو بلخی^{۲۳۰}.

طوس، مرو و نیشابور (ایران شهر)

راویان امام رضا علیه السلام: یحیی بن سعید بلخی^{۲۳۱}، محمد بن ابی یعقوب بلخی^{۲۳۲}، محمد بن خالد بلخی غلام امام رضا و راوی روایات ایشان^{۲۳۳}، هشام بن ابراهیم ختلی مشرقی، که وی در سال ۱۹۹ هجری در خراسان به همراه گروهی از راویان بزرگ شیعه خدمت امام رسیده است.^{۲۳۴}

همچنین در سده‌های بعد، شعیب بن محمد بن مقاتل بلخی، در نوقان طوس در مشهد الرضا^{۲۳۵} جلسات حدیث داشته و ابو مفضل شیبانی از او در این مکان روایت شنیده است.

مکه

محمد بن عمر بن منصور بلخی در مکه^{۲۳۶} حضور داشته و در آنجا برای شاگردش

۲۲۶. *لسان المیزان*، ج ۲، ص ۹۴ - ۹۵، ش ۳۰۰.

۲۲۷. *اختیار معرفة الرجال*، ج ۱، ص ۶، ح ۳، ص ۳۴۱، ح ۲۰۲ و ج ۲، ص ۷۹۴، ح ۹۷۰.

۲۲۸. *مستدرکات علم رجال الحدیث*، ج ۸ ص ۶۷ - ۶۸، ش ۷.

۲۲۹. *رجال النجاشی*، ص ۴۲۸، ش ۹۴۱.

۲۳۰. *کمال الدین و تمام النعمة*، ص ۲۸۶ - ۲۸۷.

۲۳۱. *عیون أخبار الرضا علیه السلام*، ج ۲، ص ۹، ح ۲۳، در متن روایت آمده است: «... حدثنا أحمد بن أبي الفضل البلخي، قال: حدثني خال يحيى بن سعيد البلخي، عن علي بن موسى الرضا...، چنان که ملاحظه می‌شود به طور مطلق گفته شده: دابی یحیی بن سعید. در برخی نسخه‌ها عبارت «حدثني خالي» آمده و برخی نیز این تعبیر را کنایه از همان دابی خود احمد دانسته‌اند (*مستدرکات علم رجال الحدیث*، ج ۸، ص ۲۰۸، ش ۱۶۱۴۶).

۲۳۲. *علل الشرائع*، ج ۱، ص ۲۰۸ ح ۱۰؛ *عیون أخبار الرضا علیه السلام*، ج ۱، ص ۸۸، ح ۱۷.

۲۳۳. *رجال الطوسی*، ص ۳۶۴، ش ۵۳۹۵.

۲۳۴. *اختیار معرفة الرجال*، ج ۱، ص ۴۹۸، ح ۹۵۶.

۲۳۵. *اقبال الأعمال*، ج ۱، ص ۴۵.

۲۳۶. *عیون أخبار الرضا علیه السلام*، ج ۲، ص ۲۰۴ - ۲۰۵.

ابو العباس حمادی روایت نقل می‌کرده است.

فرد دیگر سالم بن سالم بلخی (از راویان امام صادق)^{۲۳۷} است. او محدثی زاهد در بلخ بود که به کثرت عبادت و صیام در عصر خویش شهره بوده است. وقتی علیه فساد دربار هارون سخن گفت، خلیفه او را به زندان افکند و وی تا زمان مرگ هارون در زندان به سر می‌برد. وی پس از آزادی به مکه رفت و تا آخر عمر در آنجا بود.^{۲۳۸}

سفر حدیث پژوهان حوزه‌های حدیثی به بلخ

ابوالمفضل شیبانی (قرن چهارم) در سفری که به بلخ داشته، از ابو نصر بصر بن محمد بن نصر بلخی عنبری^{۲۳۹} و محمد بن علی بن زبیر بلخی^{۲۴۰} روایت کرده است. نصر بن اصبع بن منصور بغدادی نیز از راویان بغداد است که در بلخ سکنا گزیده بود. صدوق در توصیف وی می‌گوید: «المقیم ببلخ».^{۲۴۱}

یحیی بن زید بن علی بن حسین، مشهور به یحیی بن زید مدنی از ائمه و بزرگان زیدیه، از راویان احادیث است که به منطقه جوزجان سفر کرده است. او شاگرد امام صادق و امام کاظم علیهما السلام بوده^{۲۴۲} و از افتخارات وی آن است که کتاب *صحیفه سجادیه* را تدریس کرده است.^{۲۴۳}

جمع بندی

چنان که گذشت، محدثان بلخ و سرزمین‌های منسوب به آن در شکوفایی حدیث شیعه سهیم بوده و نقش آفرین بوده‌اند، اما این جمع بیش از یکصد نفری بلخیان - که تقریباً در دو سده سوم و چهارم پررنگ‌تر حضور داشته‌اند - از سده پنجم به بعد رو به افول نهاده و بلخیان شیعی کمتر شده‌اند. این افول را باید در حکومت‌ها و سیاست‌های حکومتی وقت تحلیل کرد. امروزه باید از باقی نماندن آثار بلخیان تأسف خورد، اما باقی ماندن روایات ایشان در لا به لای متون روایی نیز مایه بالندگی و خوشوقتی است. اکنون

۲۳۷. رجال الطوسی، ص ۲۱۹، ش ۲۹۰۱.

۲۳۸. لسان المیزان، ج ۳، ص ۶۳.

۲۳۹. الامالی (شیخ طوسی)، ص ۵۱۶، ح ۱۱۳۰.

۲۴۰. دلائل الامامة، ص ۳۱۷، ح ۲۶۳.

۲۴۱. الخصال، ص ۲۹۴، ح ۶۰.

۲۴۲. رجال الطوسی، ص ۳۲۰، ش ۴۷۸۴ و ص ۳۴۶، ش ۶۹.

۲۴۳. الفهرست (شیخ طوسی)، ص ۴۷۷، ش ۷۶۹.

روایات متعدد راویان بلخ، به ویژه روایات «ابو خالد کابلی» و «جبریل بن احمد فاریابی» زینت بخش متون روایی و رجال شیعه (رجال الکشی) است؛ هر چند کتاب های اصلی ایشان در دست نیست.

کتابنامه

- ارباع خراسان الشهيرة، قحطان عبدالستار الحدیثی، بصره: جامعة البصرة، اول، ۱۹۹۰م.
- الإرشاد، شیخ مفید، محمد بن نعمان، تحقیق: بیروت، دوم، مؤسسة آل البيت، ۱۴۱۴ق.
- الأعلام قاموس تراجم لأشهر الرجال والنساء من العرب والمستعربین والمستشرقین، زرکلی، خیر الدین، بیروت: دار العلم للملایین، ۱۹۸۰م.
- الأملی، صدوق ابن بابویه، محمد بن علی (م ۳۸۱ق)، تهران: کتابچی، ششم، ۱۳۷۶ش.
- الأملی، محمد بن حسن طوسی، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۸۰ش.
- الأملی، محمد بن محمد المفید، (م ۴۱۳ق)، تحقیق: استاد ولی، حسین و غفاری علی اکبر، قم: کنگره شیخ مفید، اول، ۱۴۱۳ق.
- بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، محمد باقر مجلسی، بیروت: مؤسسة الوفاء، دوم، ۱۴۰۳ق/ ۱۹۸۳م.
- تاریخ بغداد أو مدينة السلام، خطیب البغدادی، أبو بکر أحمد بن علی (م ۴۶۳ق)، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیه، اول، ۱۴۱۷ق/ ۱۹۹۷م.
- تفسیر العیاشی، محمد بن مسعود عیاشی، تهران: چاپخانه علمیه، ۱۳۸۰ق.
- التوحید، محمد بن علی بن الحسین بن بابویه القمی، صححه و علق علیه: سید هاشم حسینی طهرانی، قم: منشورات جماعة المدرسين فی الحوزة العلمیه، چهارم، ۱۴۱۵ق.
- تهذیب الأحکام، محمد بن الحسن طوسی (م ۴۶۰ق)، تحقیق: حسن الموسوی خراسان، تهران: دارالکتب الإسلامیه، چهارم، ۱۴۰۷ق.
- تهذیب المقال، سید محمد علی موحد أبطحی، قم، دوم، ۱۴۱۷ق.
- ثواب الأعمال، محمد بن علی بن بابویه، قم: انتشارات شریف رضی، ۱۳۶۴ش.
- جغرافیای تاریخی بلخ، محمد امین زواری.
- جمال الاسبوع بکمال العمل المشروع، تحقیق، جواد قیومی، قم: نشر آفاق، اول، ۱۳۷۱ش.
- الخصال، محمد بن علی ابن بابویه، (م ۳۸۱ق)، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین، اول، ۱۳۶۲ش.

- الذريعة الى تصانيف الشيعة، آقا بزرك تهراني (م ۱۳۸۹ق)، بيروت: دار الأضواء، دوم، ۱۴۰۳ق.
- رجال البرقي، احمد بن محمد بن خالد برقي، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ق.
- رجال الطوسي، ابي جعفر محمد بن حسن الطوسي، تحقيق: جواد قيومي اصفهاني، قم: مؤسسة النشر الاسلامي، چهارم، ۱۳۸۵ش.
- رجال الكشي، محمد بن عمر كشي، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسي مشهد، ۱۳۴۸ق.
- الرجال لأبن الغضائري، احمد بن الحسين بن عبدالله بن ابراهيم الواسطي البغدادي (ابن غضائري)، قم: دارالحدیث، اول، ۱۴۲۲ق/۱۳۸۰ش.
- علل الشرائع، محمد بن علي ابن بابويه، قم: داوری، اول، ۱۳۸۵ش.
- عيون اخبار الرضا عليه السلام، شيخ صدوق، محمد بن علي بن بابويه، تحقيق: حسين اعلمی، بيروت: مؤسسة اعلمی، ۱۴۰۴ق.
- الفائق في رواية وأصحاب الإمام الصادق عليه السلام، عبد الحسين شبستري، قم: مؤسسة النشر الاسلامي، اول، ۱۴۱۸ق.
- فرهنگنامه تطبيقي نام های قديم و جديد مکان های جغرافيايي ايران، علي رضا چگيني، مشهد: آستان قدس رضوي، دوم، ۱۳۸۵ش.
- فضائل الاشهر الثلاثة، شيخ صدوق محمد بن علي بن بابويه قمي (م ۳۸۱ق)، تحقيق: غلام رضا عرفانيان، بيروت: دار المحجة البيضاء دار الرسول الأكرم عليه السلام، دوم، ۱۴۱۲ق/ ۱۹۹۲م.
- الفهرست، محمد بن حسن طوسي، تحقيق: جواد قيومي، قم: مؤسسة نشر الفقاهه، سوم، ۱۴۲۹ق.
- الفهرست، منتجب الدين علي بن بابويه رازي، تحقيق: سيد جلال الدين محدث ارموي، قم: كتابخانه عمومي آية الله العظمى مرعشي نجفي، ۱۳۶۶ش.
- قرب الاسناد، حميري قمي، قم، مؤسسة آل البيت، ۱۴۱۳ق.
- كمال الدين وتمام النعمه، محمد بن علي بن الحسين بن بابويه القمي، تهران: چاپخانه حيدري، ۱۳۹۰ق.
- الكافي، محمد بن يعقوب كليني، تصحيح: علي اكبر غفاري، تهران: دار الكتب الاسلاميه، ۱۳۶۳ش.
- كشف الغمة في معرفة الائمة، ابن ابي فتح الاربلي، بيروت، دارالاضواء، دوم، ۱۴۰۵ق/ ۱۹۸۵م.

- لسان الميزان، أحمد بن علي بن حجر عسقلاني (م ٨٥٢ ق)، بيروت: منشورات مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، دوم، ١٩٧١م/١٣٩٠ق.
- مائة متقبه من مناقب أمير المؤمنين والأئمة، محمد بن احمد بن شاذان (م ٤٦٠ ق)، تحقيق: مدرسه امام مهدي عليه السلام قم: مدرسة الإمام المهدي عليه السلام، اول، ١٤٠٧ق.
- المجتبی من الدعاء المجتبی، ابن طاووس علی بن موسی الحلبي (م ٦٦٤ ق)، تحقيق: صفاء الدين البصري، بی جا، بی تا.
- مستدرکات علم رجال الحديث، علی نمازی شاهرودی، قم: شفق، اول، ١٤١٢ق.
- معالم العلماء، ابن شهر آشوب، نجف اشرف: منشورات المطبعة الحيدرية، ١٣٨٠ق.
- معجم البلدان، ياقوت بن عبد الله حموي رومي، بيروت: دار إحياء التراث العربي، ١٣٩٩ق/١٩٧٩م.
- معجم رجال الحديث وتفصيل طبقات الرواة، سيد أبو القاسم موسوي خويي، قم، ١٤١٣ق/١٩٩٢م.
- مناقب آل أبي طالب، ابن شهر آشوب، تحقيق: لجنة اساتيد نجف الاشرف، نجف، حيدريه، ١٣٧٦ق.
- ميزان الاعتدال، ذهبي، تحقيق: علي محمد بجاوي، بيروت، دارالمعرفة، ١٣٨٣ق.
- اليقين باختصاص مولانا علي عليه السلام بإمرة المؤمنين، ابن طاووس علي بن موسي الحلبي (م ٦٦٤ ق)، تحقيق: اسماعيل انصاري، قم: مؤسسة دار الكتاب الجزائري، اول، ١٤١٣ق.